

# مردم

## ارگان مرکزی حزب توده ایران



### یک سالگرد بزرگ

شاهان گذشته میگفتند «دولت یعنی من» خلق زحمتکش بگوید: «دولت یعنی ما». این آرزو در اتحاد شوروی وطن اکثبر و نخستین کشور سوسیالیستی جهان و نیز در دیگر کشور های سوسیالیستی جامه عمل بخود پوشیده است. سال آینده سده میلاد لنین است حزب ما بزودی به پذیره این سالگرد ارجحند خواهد رفت.

۹۹ سال از میلاد پیشوا و متفکر داهی انقلاب، ولادیمیر ایلیچ لنین میگذرد. وی تمام زندگی خود را وقف ایجاد زندگی نو و نظام نوینی ساخت که باسارت مادی و معنوی بشر خاتمه بخشید. لنین میگفت سوسیالیسم یعنی «ظهور یک نوع جدید دموکراسی، نوعی که در مقیاس تاریخ و جهانی حائز اهمیت است» وی میگفت: «تا زمانیکه مالکیت در چنگ سرمایه داران است هرگونه دموکراسی تنها سالوسی و استبداد بورژوازی است که پرده بر چهره خود کشیده است.» وی میگفت دموکراسی واقعی زمانی است که بر خلاف آنچه

### بحران مناسبات ایران و عراق و مسئله شط العرب

مناسبات ایران با کشور همسایه عراق همواره تابع رژیمهای حاکم در دو کشور و سیاستهایی بوده است که زمامداران ایران و عراق تعقیب مینموده اند. در دوران سلطه عبدالاله و نوری سعید در عراق مابین دو رژیم سلطنتی همگون همیشه بهترین و دوستانه ترین مناسبات حکمفرما بود. زمامداران دو کشور بیاری هم جنبش ملی کرد را در دو طرف مرز سبانه سر-کوب میکردند با رهبری و مداخله امیرالایسم پیمانهای تجاوزی نظامی سعدآباد و بغداد یکی پس از دیگری انعقاد میافت، کوئی هیچ حقی از ایران سلب نمیکردید و همه چیز سیر طبیعی خود را می پیمود و جای هیچگونه نگرانی نبود.

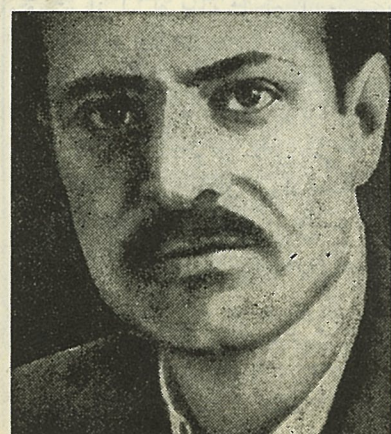
با انقلاب چهارده توموز ۱۹۵۸ در عراق و برچیده شدن سباط خاندان هاشمی یکی از مطمئنترین پایگاه های امیرالایسم و ارتجاع جهانی در خاورمیانه درهم فروریخت، دربار

### حکومت ایران به امیرالایسم وفادار است

روز ۱۲ آوریل ۱۹۶۹ رادیو لندن جریان مصاحبه مطبوعاتی جالبی را که با « ادوارد هیت » رهبر حزب محافظه کار انگلستان هنگام بیاز گشت او از سفر چهارده روزه ای بخاور میانه و خلیج فارس بعمل آمده منتشر کرد. این مصاحبه از این جهت جالب است که بیش از پیش ماهیت سیاست مستقل ملی، حکومت ایران را افشا میکند و بر ادعای دروغ شاهانه خط بطلان جدیدی میکشد. هیت، در این مصاحبه اعلام داشت که: « اگر ما در انتخابات آینده پیروز شویم... بار دیگر با دوستان خود بمذاکره خواهیم پرداخت و اگر مطمئن شویم که همه مایلند ما در منطقه خلیج فارس باقی بمانیم همین کار را خواهیم کرد... باید دانست که هیچکس از دولت انگلستان در خواست نکرده بود از خلیج فارس خارج شود، یکی از دوستان انگلستان شاه و حکومت ایران است به بیتم نظر و میل این دوست چیست؟ شاه باصراحت نظر خود را به سردبیر دنباله در صفحه ۵

اخیراً گروه مائوتسه دون دست به عمل فتنه انگیزانه تازه ای زده است بدین معنی که در ناحیه جزیره « دامانسکی » واقع در شط مرزی « نوسوری » دو بار دستور حمله مسلحانه علیه مرزبانان شوروی داده است. این هجوم مسلحانه که با اعمال قساوت نسبت بمرزبانان شوروی همراه بوده از طرف این مرزبانان عقب زده شده است.

گروه مائو بعدها کوشید واقفیت را واژگون کند و باتکاء دعای ارضی یکجانبه اتحاد شوروی را به نقض مرز های خود متهم



### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه روز همبستگی بین المللی زحمتکشان سراسر جهان شما شادباش میگویید. زحمتکشان ایران در شرایط گوناگون گناه نهان گناه آشکار جشن اول ماه مه را برگزار کرده اند. امسال جشن اول ماه مه با ۲۵ مین سال تأسیس « شوروی متحده

### استعمار جمعی

در نفت ایران گسترش مییابد اخیراً دو قرارداد جدید نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای نفتی خارجی بسته شده است. طبق اطلاعات منتشره در روزنامه های دولتی مختصات این دو قرارداد بقرار زیر است:

- ۱ - قرارداد با کنسرسيوم اروپائی - این کنسرسيوم مرکب است از کمپانی « اراپ » فرانسوی که یک شرکت دولتی است با ۳۲ درصد سهام - کمپانی « هیسپانول » اسپانیائی که یک شرکت مختلط دولتی و خصوصی است با ۲۰ درصد سهام - کمپانی « پتروفینا » بلژیکی که یک شرکت خصوصی است با ۱۵ درصد سهام - کمپانی « آجیپ » ایتالیائی که یک شرکت دولتی است با ۲۸ درصد سهام - کمپانی « او-ا-و » اطریشی با ۵ درصد سهام. منطقه فعالیت کنسرسيوم اروپائی در جنوب استان فارس و سه میل از خلیج فارس است که ۲۷۲۶۰ کیلو متر مربع را در بر میگیرد. مدت قرارداد از تاریخ شروع بهره برداری تجاری تا ۲۵ سال است.
- ۲ - قرارداد با شرکت نفتی کنتینتال - این شرکت امریکائی است. منطقه فعالیت آن در شمال بندر عباس است که ۱۲۸۶۱ کیلومتر مربع را در بر میگیرد. مدت قرارداد دنباله در صفحه ۶

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره حوادث مرزی « دامانسکی »

کرداند. شایان توجه است که فتنه انگیزی مسلحانه مرزی از طرف گروه مائو مقارن تشکیل جلسه غیر قانونی مجلس آلمان غربی در برلین غربی و در آستانه باصطلاح کنگره نهم حزب کمونیست چین انجام گرفت. هدف این عمل از سوئی مغالزه با امپریالیزم و از سوئی تدارک زمینه معنوی ضد شوروی برای کنگره نهم مائوئیست ها در چین بود. تجاوز مرزی چین در عین حال در آستانه تشکیل کمسیون تدارک کی احزاب برادر در مسکو روی داد. روشن است که یکی از هدف های آن جلوگیری از تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب برادر است. پیدایش اختلاف مرزی بین دو کشور سوسیالیستی غیر مفهوم نیست ولی غیر مفهوم است که کسانی که دنباله در صفحه ۵

زندگی روزبه میتواند برای نسل آینده، برای همه جوانان، برای همه مجاهدان سر مشق باشد: عشق به مردم، احترام به علم، تلاش شبان و روزان برای خدمت بجمعه، اراده بی ترنزل در پیکار، ایمان بولادین به آرمان، شفقت و محبت به یاران و مبارزان. (مناسبت یازدهمین سالگرد شهادت روزبه)



# گسست از اردوگاه سوسیالیسم (در اطراف حوادث مرزی شوروی و چین)

در اوایل مارس خبر گزارها از زد و خوردی که در تاریخ دوم ماه مارس بین نیروهای مرزی شوروی و چین رخ داده بود خبر دادند که مقیاس آن از یک برخورد مسلحانه مرزی تجاوز نموده موجب تلفات نسبتاً سنگینی شده است.

طبق خبر خبرگزاری شوروی و اسنادی که در این زمینه انتشار داده شد باعث زد و خورد حمله از پیش آماده شده نیروهای نظامی چین بوده است که در حدود بیش از یک هکتار در مرز خود روبروی جزیره دامانسک تمرکز داده و حملات خود را با آتش توپخانه و مین انداز پشتیبانی میکردند. نظیر این حمله با شدت بیشتر در تاریخ ۱۴ - ۱۵ ماه مارس تکرار شده است و با اینکه اکنون ظاهراً آرامش برقرار است سیر آینده حوادث را نمیتوان پیش بینی کرد.

بدیهی است زد و خورد مسلح بین دو کشور سوسیالیستی واقعه ایست آفتاب غیر طبیعی و دور از انتظار که نمیتواند توجه افکار عمومی را اعم از دوست و دشمن بخود جلب نکند. رادیو و مطبوعات یکن مانند همیشه با تمام قوا و امکانات خود میکوشند حادثه را در گون جلوه دهند و مسئولیت وقوع آنرا متوجه اتحاد شوروی بکنند. ولی

واقعیتی هست که خود زبان دارند و با هیچ منطقی نمیتوان جلوی آنها پرده کشید. از آنچه است وقایع اخیر مرزی شوروی و چین. حتی نظر سطحی به محیط سیاسی ای که این حوادث در درون آن روی داده است برای روشن شدن حقیقت کافی است.

حادثه دوم مارس هنگامی رخ داد که: (۱) بحران برلن در نتیجه پروکاسیون آلمان غربی و تصمیم آن دولت به برگزاری جلسه انتخاباتی رئیس جمهور در برلن غربی شدت یافته بود؛

(۲) بحران در خاور نزدیک در نتیجه پروکاسیونهای اسرائیل رو به تشدید بود و سرگرم شدن شوروی در خاور دور میتواند موجب تضعیف موضع کشورهای عربی گردد؛

(۳) ناتو نیروهای خود را در دریای مدیترانه علیه شوروی تقویت مینمود؛

(۴) در مذاکرات صلح پاریس امریکاییها و نمایندگان ویتنام جنوبی احتیاج به تقویت موضع خود داشتند؛

(۵) نیروهای فاشیستی در آلمان غربی بیش از پیش سر بلند میکردند و بالاخره

(۶) پس از چند سال تهیه و تدارک سلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری برفت که صورت عمل بخود بگیرد.

مجموع این اوضاع و احوال حتی برای غنائی که به ماهیت انترناسیونالیستی و علاقه «روی به حفظ وحدت در اردوگاه سوسیالیسم ما نبرده اند در صورت قضاوت غیر مفرضانه هرآنست روشن کننده نباشد بویژه اگر به

نتایجی توجه کنیم که از این رویدادها بدست آمده و یا ممکن بود بدست بیاید. چنانکه: اعتراضات شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی توأم با ابراز ناراحتی و مخالفت های محافل خارجی و داخلی خود آلمان فدرال در اواخر فوریه تزلزلی در تصمیم این دولت در باره گذراندن جلسه انتخاباتی رئیس جمهور در برلن غربی بوجود آورده بود ولی حادثه دوم مارس آنرا برطرف ساخت و محافل ارتجاعی آلمان غربی را در اجرای تصمیم خود مصمم نمود؛ امکان آن بود که تشنج و اختلافی در جلسه تدارکی مشاوره احزاب برادر که در ماه مارس تشکیل میشد رخ بدهد - موضوعی که همواره از جانب یک دامن زده میشد و احتمالاً در این مورد هم یکی از هدفهای گروه مائوتسه دون بوده است؛ بسته شدن مرز چین و جلوگیری از ارسال مهمات شوروی به ویتنام موضع امریکا و سایکون را در مذاکرات پاریس تقویت مینمود. . . الخ

با هر منطقی که بسنجیم خواهیم دید که خواه از نظر سیاست داخلی و خواه خارجی با یک پروکاسیون آماده شده ای از طرف یک روبرو هستیم.

از نظر داخلی وقایع اخیر مرزی دنباله منطقی سیاستی است که طی ده ساله اخیر نخست با احتیاط و سپس آشکارا از جانب مائوتسه دونها دنبال شده است. آنها با تعقیب سیاست ضد شوروی در صدد بودند توجه مردم کشور خود را از شکستهایی که در اجرای سیاست جهش بزرگ و تشکیل کمون ها دچار شده بودند منحرف سازند.

این شکستها عدم رضایت شدیدی میان کادرها و فعالین حزبی برانگیخته و یگانگ راهی که در این سرانجام برای گروه مائوتسه دون باقی مانده بود پاک کردن حزب از عناصر آگاه و طرفداران اصلاح اشتباهات و ادامه همکاری با سایر کشورهای سوسیالیستی بود.

«انقلاب فرهنگی» از اینجا منشا میگرفت و باید گفت که از این نظر واقعاً «پروزی» ادعائی این «انقلاب» کامل است. طی سه سال «انقلاب فرهنگی» حزب کمونیست چین از کادرهای درجه اول تا مسئولین کوچک

ترین سازمانها «تصفیه» و در حقیقت تارومار گردید؛ در آستانه گذرگه نهم که پس از ۱۳ سال فاصله از گذرگه هشتم و سه سال تلاش از طریق «انقلاب فرهنگی» و برقراری کنترل ارتش بر همه سازمانهای حزبی با عجله هر چه تمامتر بر گزار گردید گروه مائوتسه دون هنوز بحق نگران اوضاع داخلی چین بود.

برای انتخاب نمایندگان گذرگه که از اکتبر سال گذشته اقدام شده بود تا فوریه سال جاری تنها در ۸ استان از ۲۹ استان توانستند کفرانهای استان را تشکیل دهند و بالاخره نمایندگان گذرگه برحسب

«خدماتی که در راه اشاعه اندیشه های مائوتسه دون انجام داده بودند» انتصاب شدند. در نواحی متعددی از کشور آرامش بوجود نیامده بود. چنانکه اکنون مقاومت درمواردی بطور مشکل ادامه دارد. گروه هایی از کارگران و دهقانان که قادر به تحمل فشارهای وارده نیستند «کمیته های انقلابی» یا بهتر بگوئیم مأمورین ارتش را مورد حمله قرار داده به کوه ها پناه میبرند. مثلاً بطوری که خبرگزاریها اطلاع میدهند در شهر یاکو در ناحیه یون نان دو هزار نفر به سرباز خانه حمله ور شده پس از تصاحب اسلحه سربازان به کوه زده اند. در استان گواندون سازمانهای ضد مائوتسه وجود آمده که یکی از آنها بنام «کمیته ملی نجات» متشکل از کارگران و دهقانان در اوراق منتشره مردم را دعوت به برانداختن مائوتسه دون کرده است. در ناحیه اسواتوئو گروه بزرگی از مخالفان مائوتسه تحت نام «حزب دموکرات کارگران و دهقانان» دست به فعالیت زده است.

طبق نقشه مائوتسه دون و گروهش گذرگه نهم حزب میبایست بهر قیمتی قبل از تشکیل جلسه مشاوره احزاب برادر که قرار بود در ماه مه در مسکو برگزار شود جلسه تدارکی آن برای ماه مارس پیش بینی شده بود تشکیل شود تا در تصمیمات گذرگه هشتم که با روح مارکسیستی و انترناسیونالیسم و بر پایه همکاری برادرانه با کشورهای سوسیالیستی اتخاذ گردیده بود بنفع سیاست ماجرا جویانه فعلی این گروه تجدید نظر بعمل آورد.

منظور از پروکاسیونهای مرزی و طرح دعاوی ارضی را بطور عمدت باید ایجاد هیجان ناسیونالیستی و محیط مناسب برای اجرای این سیاست دانست که در عین حال از نظر زمانی بتجوی تهیه شده بوده است که احتمالاً در جلسه تدارکی مشاوره احزاب برادر هم تشنج و اختلافی ایجاد کند.

سیاست دعاوی ارضی یکن همانند همان سیاست «منطقه حیاتی» است که همواره میلیتاریسم آلمان در جهت بسط سر زمین خود تا کوههای اورال تعقیب میکرد و بوقع بارها از طرف حزب کمونیست چین و خود مائوتسه دون محکوم شده بود.

یک مدعی سر زمینی به مساحت شش میلیون کیلومتر مربع (اندکی کمتر از چهار برابر ایران) است که همه آن اراضی از ملت های دیگر مسکونند و این سوی مغولستان و قسمتی از آسیای میانه شوروی است که آن نیز مورد ادعا است. این ادعا هنگامی طرح میشود که اراضی واقعاً متعلق به چین و مسکون از چینی ها از قبیل جزیره تایوان، هنگ کنگ، کدنگ، ماکائو در مقابل باچی که از عوائد فحشاء، قمار، قاچاق مواد مخدره به چین داده میشود، در اختیار امپریالیست ها و حتی پایگاه آنها در جنگ علیه مردم قهرمان ویتنام است.

خود بخود این پرسش پیش میآید که اگر ادعای مرزی بین کشورهای سوسیالیستی مجاز است چرا مغولستان داخلی نباید جزء کشور سوسیالیستی مغولستان باشد؟ چرا

سرزمین های متصل به کره شمالی که ۱۶ میلیون کره ای در آن سکونت دارند نباید به کشور سوسیالیستی کره مسترد گردد؟ و آیا اگر میتوان به اعماق تاریخ رفت چرا کاشغر نباید مورد ادعای ایران باشد؟ و یا اصلاً چرا مرز واقعی را دیوار بزرگ چین نباید تشکیل دهد؟

بدیهی است که اینها هدیانی بیش نیست و اگر در همین حد هدیان باقی مماند قابل توجه نمی بود. ولی اهمیت موضوع اینجاست که سیاستمداران یکن این دعاوی را با آگاهی به عواقب آن و استفاده ای که متجاوزترین امپریالیست ها از آن خواهند کرد مطرح میکنند، و این آبی است که دانسته به آسیاب امپریالیسم ریخته میشود و هیچگونه توجهی نمیتوان برای آن یافت.

این دعاوی به انتقام جویان آلمان غربی امکان داده است بیش از پیش در سیاست تجدید نظر در مرزهای پس از جنگ و شکستن این مرزها با فشار باشند. روزنامه آلمان غربی «فرانکفورتر آلگه ماینه» ضمن تفسیر اخبار مربوط به وقایع اخیر مرزی شوروی و چین رسماً مینویسد که مرزهای فعلی اروپا هم نمیتواند قطعی و قابل تحمل باشد. روزنامه نئو فاشیستی «ناسیونال تسایتونگ» با خوشحالی و شغف به خوانندگان خود مژده میدهد که اکنون دیگر در مطبوعات چین هم به اصطلاح «منطقه اشغالی شوروی» بجای جمهوری دموکراتیک آلمان برمیخوریم.

امریکا و آلمان غربی اکنون بیش از همه در انتظار بسط حوادث در خاور دور هستند، زیرا بسط این حوادث در جهت سیاستی که گروه مائوتسه دون پیش گرفته است آینده امید بخشی را بآنها نوید میدهد؛ امکان کامیابی هایی در ویتنام برای امریکا، رسیدن به هدف های انتقامجویانه برای آلمان غربی. روزنامه فرانسوی «لاتریبون د ناسیون» از مطالعه این حوادث چنین نتیجه میگیرد که آلمان غربی در انتظار یک تصادم آشکار بین شوروی و چین میباشد، زیرا چنین تصادمی دست آنرا در سیاست اروپائیش باز خواهد کرد. هم اکنون با بسته شدن راه خشکی رساندن کمک به ویتنام و اعلام حکومت هندوستان دائر به عدم اجازه پرواز هواپیما های حامل مهمات جنگی برای ویتنام از آسمان این کشور آرامش خاطر برای امپریالیسم امریکا ایجاد شده است.

اینکه سیاست کنونی ضد شوروی یکن در موازات سیاست خارجی امریکا و آلمان غربی قرار گرفته است جای تعجب نیست. تبلیغات یکن از مدتی پیش شوروی را دشمن درجه یک خود اعلام داشته است. منطق مبارزه با دشمن درجه یک که استراتژی کنونی گروه مائوتسه دون است سازشهای تاکتیکی با دشمنان دیگر را که آنها نیز شوروی را بحق دشمن درجه یک خود میدانند مجاز میکند.

مجله آلمان غربی «اشترن» اخیراً نوشت که «در سیاست خارجی اکنون چین متفق نوین حکومت فدرال است» و «طبق اطلاعی که



# گسست از اردوگاه سوسیالیسم (در اطراف حوادث مرزی شوروی و چین)

دیپلمات های غربی به حکومت بن داده اند اخیراً پکن شدت از تبلیغات ضد جمهوری فدرال کاسته است و روزنامه فاشیستی «ناسیونال تسایتونگ» اعلام کرد که «پکن برای سیاست حقیقی آلمان شانس بزرگی است... چین آلمان را نجات میدهد» از همین زاویه باید پیشنهاد چندی پیش پکن را برای مذاکره با امریکا تجزیه و تحلیل کرد. گو اینکه این مذاکره بواسطه فرار کاردار و مأمور مخصوص چین از هلند و پناه یافتن در امریکا متوقف ماند ولی آنرا نمیتوان منتفی شمرد. علامت تجدید نظر در سیاست امریکا نسبت به چین را آشکارا نیز میتوان دید. از آن جمله است موافقت حکومت نیکسون با برداشتن محدودیت بازرگانی بین آلمان غربی و چین که روزنامه آلمان غربی «دی ولت» سرمقاله بیستم ماه مارس خود را بآن تخصیص میدهد و یا پیشنهاد سناتور کنندی دایر به تجدید نظر در سیاست نسبت به چین پذیرش چین در سازمان ملل متفق و برون بردن واحدهای امریکائی از تایوان (روزنامه تایمز ۲۲ مارس ۱۹۶۹). هم اکنون آلمان غربی پس از ژاپن مقام دوم را در بازرگانی با چین احراز کرده است. و در این معاملات وسیع سهم بزرگ را بعقیده روزنامه فنلاندی «کانزان اون تی زت» اسلحه و مهمات جنگی تشکیل میدهد. عده ای نیز کارشناس از آلمان غربی برای کار در چین دعوت شده اند که طبق اطلاع روزنامه بلغاری «رابوتنی چسکی دلو» بین آنها دو نفر کار شناس موشک سازی میباشند بنام ولگاگانگ بیلتس و برتولد سبی گس. جای تعجب هم نیست اگر آلمان غربی از حیث اسلحه و مهمات و کارشناس به چین کمک کند مگر نه اینکه اشتراکات وزیر دارائی و طرفدار متعصب سیاست تلافی جویانه آلمان غربی با اشاره به چین گفت: دشمنان دشمن من دوستان من هستند؟ روزنامه ژاپنی «نی هون کیزاهی شیمون» از قول خبر گزار خود از بن مینوسد: «اکنون تجدید نظر در مورد مناسبات آلمان غربی و پکن در دستور روز دولت آلمان غربی است».

اگر در بدو تیرگی روابط بین چین و سایر کشور های سوسیالیستی پکن مدعی بود که موجب آن اختلافات ایدئولوژیک است وقایع اخیر در پوچ بودن این ادعا تردیدی باقی نگذاشته اند. اکنون گسست کامل گروه مائوتسه دون با اردوگاه سوسیالیسم برای همه عیان است.

بد نیست چند کلمه ای از زبان وان مین یکی از رجال حزب کمونیست چین در باره ماهیت ضد مارکسیستی سیاست مائوتسه دون بشنویم. وان مین عضو سابقه دار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است که در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۵ مقام دبیری کمیته مرکزی

را نیز عهده دار بوده است و اکنون دور از مین خود بسر میرد. وی در روزنامه کمونیستی «کانادین تریبون» مقاله مفصلی منتشر ساخته که در آن مائوتسه دون را متهم میسازد به اینکه حزب کمونیست و از گانهای انتخابی حکومت چین را داغان نموده و ارتش رها بخش مالی را آلت بلا اراده اجرا مقاصد خود ساخته است. وان مین مینوسد که «دست آورد های انقلاب چین در معرض نابودی کامل است، ساختمان سوسیالیسم در معرض تلاشی است. گروه مائوتسه دون چین را به آنچنان راه تاریکی انداخته است که انتهای آن ارتجاع سیاسی و ورشکستگی اقتصادی، انحطاط فرهنگی و فقر است». وان مین مینوسد که واقعیات اخیر سقوط نفرت زائی را نشان میدهد که ماجراهای ضد شوروی و ضد کمونیستی بوجود آورده است. در واقع هم سیاست ماجراجویانه گروه مائوتسه دون حزب و مردم چین را در سرا شیب تند و خطرناکی قرار داده است. تنها بکمک زور، فریب و ایجاد احساسات شونیستی است که این گروه هنوز میتواند بکار خود ادامه دهد. مقاومت سه ساله مردم چین در مقابل «انقلاب فرهنگی» و ماجراهای دیگر این گروه نشان داد که تحمیل چنین سیاستی و پنهان داشتن خطرات آینده آن چندان آسان نیست.

طی مدت بیست سال که از پیروزی انقلاب چین میگذرد مردم چین فرصت تشخیص داشته و باز هم خواهند داشت که تا چه اندازه برای ساختمان سوسیالیسم در چین و برای مبارزه با دشمن واقعی و آزمند چین یعنی امپریالیسم احتیاج به کمک همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی و وحدت عمل با این کشورها دارند.

پیروزی انقلاب چین و نخستین دست آورد های این انقلاب بکمک اتحاد شوروی و سپس کشورهای دیگر سوسیالیستی بدست آمده است. بی ریزی تقریباً همه صنایع معاصر چین از آنجمله صنایع اتمی آن با کمک مستقیم اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی انجام شده است. اینها مسائلی است که مردم چین برای العین دیده اند و بیش از پیش به اهمیت آن پی میبرند.

تردیدی نیست که کمکهای بی دریغ و احساسات برادرانه ای که دولت اتحاد جماهیر شوروی چه برای پیروزی انقلاب چین و چه در مورد ساختمان سوسیالیسم نسبت بخلق چین ابراز داشته است و همچنین سیاست صلح جویانه ای که دولت شوروی برای حل مسائل مورد اختلاف تعقیب میکند سر انجام فریب کاریها و سیاست ماجراجویانه گروه مائوتسه دون را در برابر تمام توده های زحمتکش چین آشکار خواهد ساخت.

ع. ص.

# روستای ایران در تنگنای دشواریها

در باره «دگرگونی» روستای ایران و تحول، زندگی دهقانان، تبلیغات رژیم دغاوی فراوان دارد. اما واقعیت آنست که هفت سال پس از آغاز اصلاحات ارضی و در پایان کار فروش زمین به دهقانان، روستای ایران با مشکلات فراوان روبروست. از یک طرف هنوز قریب نیمی از خانوار های دهقانی مشمول خرید زمین نشده اند و بعنوان مستأجر بزرگ و کارگر کشاورزی در اراضی متعلق به مالکان زمینهای خالصه و موقوفه بهره کارشان غارت میشود و از طرف دیگر پرداختهای سنگین بعنوان قسط زمین، آب بها، مال الاجاره، حق السهم شرکتهای تعاونی، بهره وام، کمبود و یا فقدان کامل کمکهای اعتباری، نداشتن راه، مدرسه، درمانگاه عرصه را بر اکثریت دهقانان تنگ کرده است. در سالی که گذشت وقوع زلزله در خراسان و سیل در مازندران، گیلان، خوزستان و آذربایجان غربی و شرقی موجب شد که هزاران خانوار روستائی از هستی ساقط شوند. در گیلان چندین دهکده به زیر آب رفت. در آذربایجان غربی ۳۵۰ قریه در محاصره سیل قرار گرفتند و کشت پائیزه کشاورزان ضایع و دیگر نقاط این استان از بین رفت و کشت بهاره نیز برای دهقانان دیگر مقدر نیست. (کیهان ۱۸ فروردین ۴۸) ۴۵ قریه در آذربایجان شرقی ویران شد (کیهان ۱۶ فروردین ۴۸) زمستان سخت، برفهای ممتد و بارندگیهای شدید سبب گردید که در بسیاری از نقاط کشور، اشام دهقانان تلف شوند و یا محصول دهقانان نابود گردد. از جمله در خراسان ۳۰۰ هزار تن چقدر که نتیجه زحمت شبانه روزی عده کثیری از دهقانان بوده بر اثر سرمای شدید در بین رفت و علاوه بر این کارخانجات قند از دادن کدو و بذر و مساعده به دهقانان به بهانه اینکه چقدر تحویل نداده اند خود داری کرده اند و دولت هیچگونه حمایتی از دهقانان ننموده است. برخی از کارخانجات پنبه در شمال نیز تحت این عنوان دهقانان باید بذر را نقداً خریداری کنند. از تحویل بذر به دهقانان پنبه کار امتناع نموده اند. در شرایطی که دولت مبالغ کلانی بعنوان بهای زمین و یا وام و کمک بمالکان پرداخت میکند هیچ مقامی بشکر دهقانان تیره روز و دفاع از آنان نیست.

ایجاد یک بل و ساختمان چند متر جاده در دورانی که بشیرت راه بر آسمان گشوده خواست میرم غالب روستائیان ماست. مثلاً دهقانان دهات شاهپور در آذربایجان بعلت نبودن جاده نمیتوانند محصول خود را به بازار عرضه کنند (اطلاعات ۳۰ بهمن ۴۷) دهقانان کیان آباد، و تیمور آباد واقع در خرم آباد سالها است که تقاضای ساختمان یک پل دارند. زیرا هر سال با بالا آمدن آب رودخانه برای چندین ماه ارتباطشان با دنیای خارج قطع میشود و در نتیجه محصول یکساله شان به بازار نمیرسد.

فقدان و یا کمبود وام و کمکهای اعتباری مشکل دیگر دهقانان است. بیگفته وزیر اصلاحات ارضی ۱۷۰۰۰۰ خانوار روستائی هنوز عضو شرکتهای تعاونی نیستند و بنا بر این کوچکترین کمکی بآنها نمیشود و دهقانانی که با پرداخت حق السهم بعضویت شرکتهای تعاونی در آمده اند، در اکثریت خود از کافی نبودن وامها و یا از امتناع شرکتهای از پرداخت وام شکایت دارند. برای نمونه از دهقانان یکی از دهات اطراف رشت نام میبریم که شرکت تعاونی شان تحت این عنوان که: «سرمایه شما کم است، و بانک کشاورزی رشت به بهانه اینکه: شما عضو شرکت های تعاونی هستید، از پرداخت وام به دهقانان امتناع می کنند. فقدان وام و اعتبار کافی موجب شده که دهقانان همچنان در دام رباخواران و سلف خرها اسیر باقی بمانند. رئیس کل بانک کشاورزی آقای رضا صدیقیان اعتراف میکند که سهم سازمانهای اعتباری بیش از ۳۰ الی ۴۰ درصد وامهای دریافتی دهقانان نیست. و بدین ترتیب ۶۰ تا ۷۰ درصد وام مورد نیاز دهقانان بوسیله ربا خواران و در ازاء دریافت بهره های سنگین تأمین میشود. رئیس بانک کشاورزی تأیید میکند که نرخ بهره در برخی موارد بیش از ۴۰ درصد است. وی میگوید: «مقروض بودن یکی از مشکلات زندگی روستائیان است» (مجله بانک مرکزی مهر ۱۳۴۷).

سیاستی که دولت تاکنون در روستا دنبال نموده است نه در جهت حمایت و تقویت دهقانان، بلکه در جهت حمایت از مالکان سرمایه دار و سرمایه داران مالک بوده است. اعتبارات کشاورزی بطور عمده اختصاص به واحد های بزرگ دارد و حواله دهقانان به شرکتهای تعاونی داده شده که سرمایه کافی ندارند و قادر به رفع نیازمندیهای مالی و فنی دهقانان نیستند.

☆ ☆ ☆

برای حل مشکلات فراوانی که در برابر توده زحمتکش دهقانان وجود دارد، مبارزه متحد آنان ضروری است. شک نیست که خواستههای دهقانان در یک منطقه، یک ناحیه و گاه حتی در یک ده متفاوت است ولی همیشه پیش کشیدن مبرمترین شعار های روز که برای ساکنان یک یا چند ده مشترک است میتواند نیروی هر چه بیشتری را بسیج و به میدان مبارزه بکشد. وظیفه طبقه کارگر، روشنفکران مترقی، سازمانهای دموکراتیک و دهقانان پیشرو است که در تجهیز و تشکل بیش از پیش برادران روستائی خود و جلب آنان به مبارزه متشکل در راه پیشبرد خواستههایشان اعم از خواستههای کوچک و صغری و یا خواستههای بزرگ و طبقاتی کوشش ورزند. مثلاً دهقانان بدون زمین را میتوان با شعار لزوم: دهقانانی را که زمین خریده اند با شعار عدم پرداخت اقساط زمین و قشر های وسیعتری از دهقانان را با شعار لزوم توسعه و تقویت شرکتهای تعاونی از طرف دولت و پرداخت وام ارزان به همه دهقانان به مبارزه جلب کرد. پیروزی هر شعار هر قدر محدود، مثلاً حتی تأسیس مدرسه و درمانگاه، ساختمان جاده و پل، در تشکل بیشتر دهقانان تأثیر فوق العاده دارد. باید از هر زمینه مساعدی برای تجهیز دهقانان استفاده نمود.

میتو

## تسلیمت

آغاز سال نو برای دانشجویان ایرانی با دو حادثه تأسف آور همراه بود. در دوم فروردین ماه اتومبیل حامل پنج دانشجوی ایرانی در نزدیکی گراتس (اتریش) تصادف کرد و منجر به قتل سه نفر: شهین فرجاد، پرویز رفیعی و شاهرخ ریاضی گردید. در ۷ اردیبهشت اتومبیل حامل تقی بلوریان تصادف کرد و موجب مرگ وی شد.

ما مرگ جانگداز این دانشجویان را که بعلت فعالیت ترقیخواهانه خود محبوب و مورد احترام همه دانشجویان بوده اند، به بازماندگان آنها و اتحادیه دانشجویان ایرانی در گراتس و همه دانشجویان ایرانی صمیمانه تسلیم میگوئیم. ما مطمئنیم که دانشجویان ترقیخواه ایرانی با پیروی از سرمشق آنان خاطره دانشجویان فقید را همواره زنده و گرامی خواهند داشت.

تعمیر آدرس رادیو پیک ایران  
هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 49034**  
**10028 Stockholm 49**  
**Sweden**



# يك سند مهم حزب ما

## تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما

یاد آوری از يك  
تصمیم پلنوم  
گان ارجمند ماهنامه  
«مردم» اطلاع‌دارند

يكی از تصمیمات پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران (که در تابستان گذشته تشکیل شده بود) مأموریتی بود که به هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران دایر به تهیه و تصویب و انتشار سند مهم «تحلیل وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما» احاله شده بود. هیئت اجرائیه در سومین اجلاس خود متن سند را پس از اصلاحات لازم تصویب کرد و بدینسان وظیفه احاله شده از جانب پلنوم را انجام داد. متن سند بنا به تصمیم اجلاس هیئت اجرائیه در مجلات «دنیا» و «آذربایجان» نشر خواهد یافت و در رادیوی يك ایران پخش خواهد شد. صفحات محدود ماهنامه «مردم» گنجایش آنرا ندارد که ما خوانندگان گرامی را با متن کامل سند (که در نخستین فرصت ممکن در دسترس آنان قرار خواهد گرفت) آشنا سازیم ولی بیفایده نمیدانیم از خطوط اساسی این سند ولو باختصار یاد کنیم و بخشهایی از آنرا نقل نمایم. در سند مورد بحث مضمون اساسی تحولات اخیر کشور که عبارت از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی است و علل عینی و ذهنی بروز این تحولات توضیح داده شده است. در سند بر اساس آمارها و بیکره‌ها سیاست اقتصادی دولت، اصلاحات ارضی رژیم، سیاست سرمایه گذاری و صنعتی کردن کشور، روابط بخش خصوصی و بخش دولتی، مسئله آهنگ رشد اقتصادی و درآمد ملی مورد تحلیل قرار گرفته و نتیجه گیری شده است که رشد نیروهای مولده در کشور ما اکنون مرحله قبل از سرمایه داری انحصاری را طی میکند و لذا هنوز تجمع و تمرکز سرمایه ها بجای نرسیده است که بتواند رشته یا رشته‌هایی را در انحصار سرمایه داری شخصی در آورد ولی از هم اکنون علائم پیدایش این انحصار وجود دارد. وجود اضافه جمعیت نسبی که ناشی از سرریز جمعیت روستائی و بیکاری مزمن است از یکسو و سطح نازل زندگی از سوی دیگر موجب پائین بودن دستمزد میشود که خود مانعی است برای استفاده وسیع از تکنیک و سد نیرومندی است در برابر تسریع پروسه انباشت سرمایه داری. از آنجا که تولید خرده کالائی در کشور ما مقام مهمی دارد و پروسه انباشت کنداست لذا سیستم سرمایه داری هنوز امکان اینکه نظارت کامل خویش را بر بازار داخلی تأمین نماید نیافته است و تسلط سرمایه امپریالیستی نیز امکانات رشد سرمایه داری داخلی را باز هم محدود تر مینماید. استفاده از بخش دولتی در جهت تقویت بنیه مالی گروه معینی از سرمایه داران داخلی و

در آمیختن آنها با سرمایه انحصاری خارجی رفته رفته سدی در برابر رشد موزون اقتصادی کشور ما فراهم میکند و پروسه رشد اقتصادی را ولو بصورت سرمایه داری آن، مسخ و محدود میسازد.

پس از این نتیجه گیریها در سند تحولاتی که در آرایش طبقاتی جامعه روی داده مورد بررسی قرار میگردد و از آن تحولاتی که در پایگاه طبقاتی حکومت و سلطنت حاصل شده نتیجه گیری میگردد.

سند جهات ضد دموکراتیک سیاست داخلی رژیم و تقلاهای عیب وی را برای مستور ساختن این ماهیت ضد دموکراتیک افشاء میکند و پیوند سیاست خارجی رژیم را با منافع امپریالیست ها نشان میدهد و سیاست خارجی رژیم را مورد تحلیل افشاگرانه ای قرار میدهد.

بخش نهائی سند، نتیجه گیری از این تحلیل و تعیین وظایف مبرم حزب ما در مرحله کنونی است که آنرا با تلخیص نقل میکنیم زیرا بشما به نتیجه گیری عمومی سند دارای اهمیت ویژه است.

وظایف مبرم  
حزب ما  
در مرحله کنونی

در سند مصوب  
کمیته مرکزی چنین  
میخوانیم:

«بدیهی است هدف غائی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر کشور ما عبارت از استقرار نظام سوسیالیستی است ولی در مرحله کنونی انقلاب ایران که هنوز تضاد با امپریالیسم و بقایای فئودالیسم حل نشده است پیش کشیدن شعار سوسیالیستی بمنزله پیش تاختن در عرصه ایست که از محیط واقعیت جامعه کنونی ایران خارج است. اکنون کشور ما در مرحله ملی و دموکراتیک انقلاب اجتماعی قرار دارد یعنی

انقلابی که هدف آن عبارتست از انتقال قدرت حا که از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی (سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، ملاکان عمده و قشر بوروکراتیک سرمایه داری)

ب دست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک؛ کارگران (اعم از مزد بگيران شهری و روستائی)، دهقانان، سایر زحمتکشان شهری که قشر مهمی از روشنفکران و کارمندان ادارات و مؤسسات صنعتی، کشاورزی و بازرگانی را دربر میگیرد - خرده بورژوازی و سرمایه داری ملی) و محتوی آن عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، خاتمه دادن بوابستگی اقتصادی و سیاسی ایران و ریشه کن ساختن بقایای فئودالیسم.

ولی تحقق این دور نمای جنبش انقلابی مردم ایران مستلزم اجتماع يك سلسله عوامل عینی و شرایط ذهنی است که بدون آن نيل بمقصود امکان پذیر نخواهد بود...

بنا بر این در اوضاع و احوال کنونی وظیفه اساسی عبارتست از کوشش در برطرف ساختن موانع اعتلاء جنبش و مبارزه در جهت فراهم نمودن وسائل تسریع این اعتلاء و زمینه چینی برای پیشرفت آن. آنها که قبل از فرا رسیدن و آماده شدن وضع انقلابی دورنما و هدفهای غائی نهضت را بجای وظایف مبرم سیاسی قرار میدهند و تمایلات احساسی خوش را جانشین واقعیت اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و تناسب واقعی نیروها میسازند و یا میخواهند فقط بانگ پشاهانگان نهضت بمیدان مبارزه قطعی روند نه تنها با شکست مسلم روبرو خواهند شد بلکه با چنین اقدامات نسنجیده و چپ روانه زبانهای سنگینی بنام جنبش انقلابی مردم ایران وارد خواهند ساخت. روش ضد دموکراتیک رژیم کنونی

ایران اسلوب استبدادی و پلیسی حکومت، سلب آزادیهای مصرح در قانون اساسی، درعین اینکه نارضائی اکثریت تام مردم ایران و نفرت آنها را نسبت بر رژیم بر میانگیزد، خود عمده مانع در راه اعتلاء جنبش انقلابی مردم بشمار میرود؛ مطلق ساختن هر يك از جهات این پدیده واحد موجب بروز برخی

ابهامات و انحرافات از خط مشی صحیح میگردد. در واقع نه نارضائی عمومی به تنهایی قادر به اعتلاء و پیشرفت جنبش است و نه وجود حکومت استبدادی و پلیس میتواند دلیل بر اتخاذ برخی روشهای ماجراجویانه و چپ روانه باستناد مسدود بودن طرق مبارزه باشد...

بهمان دلیل که فقدان آزادیهای دموکراتیک عمده مانع در راه اعتلاء نهضت است مبارزه برای برداشتن این مانع از سر راه جنبش، تأمین آزادیهای دموکراتیک و

استقرار اصول دموکراتیک باید جهت اساسی مبارزه را در شرایط کنونی تشکیل دهد.

بنظر حزب توده ایران مبارزه در پیرامون این شعار مبرمترین وظیفه کنونی و حلقه مرکزی در مجموعه مبارزات بمنظور نیل به هدفهای سیاسی دیگر است.

بدیهی است تشخیص شعار اساسی مبارزه بمعنای انصراف از مبارزه در راه شعارهای دیگر و از جمله بمنزله انصراف از مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو و قرارداد دو جانبه نظامی، الغاء قانون کاپیتولاسیون، اتخاذ سیاست بیطرفانه، اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، الغاء امتیازات نسبت به سرمایه خارجی، مبارزه علیه سیاست بازرگانی نابرابر و درهای باز و غیره نیست ولی تشخیص شعار عمده مستلزم آنست که قسمت اساسی کوششها و مبارزات سیاسی در جهت آن سیر کند زیرا شعار مزبور آن چنان حلقه مرکزی است که قادر است مبارزه را در راه تحقق شعارها و خواستههای دیگر تسهیل نماید. در صورتیکه حزب توده ایران و سایر سازمانهای ملی و دموکراتیک موفق شوند که

توده های مردم را دور این شعار گرد آورند و آنها را بمبارزه متشکل و متحد برای تحصیل آزادیهای دموکراتیک سوق دهند بنحوی که دولت مجبور شود لااقل آزادیهای مصرح در قانون اساسی ایران را رعایت نماید ناگزیر

یکی از دو پایه اصلی رژیم کنونی دچار تزلزل جدی میشود و ناچار زمينه را برای مبارزات ملی و دموکراتیک دیگر در جهت تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور میکشاید.

مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک مبارزه وسیع و همه جانبه ایست که شامل عرصه های گوناگون حیات اجتماعی و حرفه ای، سیاسی، فرهنگی، قضائی، اداری و غیره میگردد؛ مبارزه در راه بسط فعالیت ها و آزادی های سندیکائی برای کلیه زحمتکشان شهر و ده، مبارزه در راه بدست آوردن آزادی سازمانی برای زنان، جوانان، دانشجویان و معلمان و روشنفکران و پیشه وران و کارمندان دولتی و کارمندان دستگاه های خصوصی و دولتی، مبارزه برای تصویب قانون عفو عمومی در باره کلیه زندانیان و محکومین و تبعیدیان سیاسی، مبارزه برای تأمین بازگشت کلیه پناهندگان سیاسی از خارج به ایران، مبارزه برای لغو دادگاههای استثنائی نظامی و ارجاع امور سیاسی و مطبوعاتی بداد گاههای صلاحیتدار دادگستری، مبارزه در راه آزادی انتخابات و رفع مداخلات دولت در امور انتخابی، مبارزه در راه آزادی آموزش زبان مادری برای خلقها و اقلیتهای ایرانی که فارسی زبان نیستند، مبارزه در راه علنی شدن کلیه احزاب ملی و دموکراتیک و تصویب قانون اجتماعات و احزاب، اینها شعارهای مبرمی است که مورد علاقه توده های مردم است و هر يك از آنها یا مجموعه ای از آنها میتواند بر حسب اوضاع و احوال و شرایط پیشرفت نهضت اهمیت درجه اول کسب کنند.

حزب توده ایران تنها برای آزادی فعالیت خود مبارزه نمیکند. حزب توده ایران هوادار آزادی کلیه احزاب، سازمانها و مطبوعات است زیرا از طرفی اعتماد کامل بقضاوت صحیح توده های مردم دارد و بهمین سبب از میدان رقابت سیاسی احزاب روگردان نیست و از سوی دیگر به همکاری و اتحاد با سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک جداً معتقد است و چنین اتحادی را برای پیشرفت بطرف هدف مشترک مردم ایران ضرور میسرمد و نیز عقیده راسخ دارد که استقرار و بسط دموکراسی تنها با مبارزه يك حزب یا يك سازمان تأمین نمیشود بلکه پیروزی در این زمینه مستلزم اتحاد واقعی کلیه احزاب و سازمانهای مبین پرست و ترقیخواه بر مبنای برنامه مشترک و واحد است. ما معتقدیم که همکاری حزب توده ایران با سایر سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیک نه تنها در این دوره، نه تنها در این مرحله انقلاب ضرور است بلکه حتی برای استقرار سوسیالیسم نیز امکان پذیر خواهد بود...

از آنجا که حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر و نظریاتش منطبق با منافع اکثریت تام مردم ایرانست، بی شائبه و با تمام قوا در راه اتحاد هرچه وسیعتر نیروهای ملی و دموکراتیک میکوشد زیرا در زمان ما دنباله در صفحه ۵



# حکومت ایران به امپریالیسم وفادار است!

روزنامه «سنلی تایمز» چنین ابراز میکند: «مرث امیدوارم که شما انگلیس ها مادامی که ما و سایر کشورها آماده بر کردن خلائی که با رفتن شما در خلیج فارس ایجاد میشود نشده ایم، از این منطقه خارج نشوید. این نظر را شاه هنگامی ابراز کرده که صحبت از تخلیه مناطق شرقی ترعه سوئز از طرف حکومت «کارگری» تا سال ۱۹۷۱ بمیان آمده است یعنی شاه حتی موقعیکه امپریالیسم انگلستان بعزت مشکلات مالی ناچار به کم کردن هزینه های نظامی و از جمله مجبور بتخلیه خلیج فارس از نیروهای نظامی خویش گردیده، اظهار امید و در واقع استخفا دارد که این نیروها در خلیج بمانند! حال اگر دولت کارگری ساقط گردد و حکومت محافظه کار بجای آن بیاید، امری که قریب الوقوع بنظر میرسد، در این صورت نه تنها شاه و حکومت ایران مخالفت نخواهند داشت بلکه خوشنود هم خواهند شد. (۱) هنگامی که خبر نیکار رادیو لندن به «هیث» میگردد که: «شما دیروز در آتن اظهار داشتید که ایران با مسئله تغییر سیاست دولت انگلستان مبنی بر خروج از خلیج فارس مخالفت خواهد کرد در حالیکه پریروز یکی از سخنگویان رسمی وزارت خارجه ایران اعلام داشت که دولت ایران هرگز از دولت انگلستان نخواهد خواست که در خلیج فارس باقی بماند یا به این منطقه باز گردد، او چنین پاسخ میدهد: «دولت ایران هرگز از ما نخواسته بود از خلیج فارس خارج شویم و حالا از این دولت انتظار نداریم که بیاید و علنا اعلام کند که ما مایمان انگلستان در خلیج فارس باقی بمانند... چنین اظهاراتی با اصول دیپلماتیک تطبیق نمیکند و این نکته را بخوبی میفهمیم.» اینها اظهارات کسی است که احتمال میبرد مقام نخست وزیری را در انگلستان اشغال کند. «هیث» میتواند با اتکاء باظهارات صریح شاه با مخبر روزنامه «سنلی تایمز» جواب دندان شکنی بخر نیکار رادیو لندن و سخنگوی رسمی وزارت خارجه ایران بدهد و بگوید که شاه یعنی گرداننده واقعی حکومت ایران نه تنها از ما نخواسته که از خلیج فارس خارج شویم بلکه اظهار امید هم کرده که در آنجا باقی بمانیم. «و این قول «هیث» و چنین اظهاراتی با اصول دیپلماتیک تطبیق نمیکند! علاوه کنیم که اظهارات سخنگوی رسمی وزارت خارجه ایرانهم متضمن کوچکترین تمایلی به خروج نیروهای انگلستان از خلیج نیست، بلکه مؤید این اظهار نظر «هیث» است که میگردد «دولت ایران هرگز از ما نخواسته بود از خلیج فارس خارج شویم.»

زمامداران ایران از شاه، نخست وزیر، وزارت خارجه گرفته تا سخنگویان رسمی دولتی هیچگاه چنین تقاضائی را مطرح نکرده اند بلکه اظهارات آنهاهمواره بر این فرض مبتنی بوده که اگر دولت انگلستان خود نیروهایش را از این منطقه بیرون بکشد چه باید کرد. «هیث» در مصاحبه خود میگوید: «تقریباً در همه جا مردم متعجب بودند که چرا ناگهان دولت کارگری انگلستان تصمیم گرفته از خلیج فارس خارج بشود.»

«هیث» با روشنی این مردم متعجب را نام میبرد و میگوید «در این مدت مذاکرات و گفتگوهای پر از شی با شاهنشاه ایران، ملک فیصل... و همچنین با حکام و شیوخ خلیج فارس بعمل آوردم، اینها هستند آن مردمانی که از اقدام احتمالی حکومت «کارگری» انگلستان به تعجب افتاده اند!

حقیقت این است که چه دولت کارگری و چه حکومت آینده احتمالی محافظه کاران در انگلستان هیچکدام قصد خروج از خلیج فارس بمعنی واگذاری سرنوشته این منطقه بدست صاحبان اصلی خود یعنی کشورهای مجاور خلیج فارس را نداشته و ندارند. اختلاف بین آنها بر سر چگونگی حفظ تسلط در این منطقه است. محافظه کاران که در رأس آنها آقای «هیث» قرار دارد بمقتضای اصل عمومی سیاست خود یعنی احتیاط و محافظه کاری، با سیاستی که حزب «کارگر» برای تخفیف بحران مالی انگلستان فرخواندن نیروهای نظامی را از منطقه شرق سوئز در عین تسلط بر خلیج فارس بوسیله شیوخ و حکام دست نشانده و

# اعلامیه

درباره حوادث مرزی «دامانسکی»

مدعی رهبری یک کشور سوسیالیستی هستند بخواهند این اختلاف را با سلاح حل کنند بویژه آنکه مرزهای بین چین و شوروی طبق قرارداد سال ۱۹۲۴ بین شوروی و چین تثبیت شده و بارها از طرف چین تأیید گردیده است. بعلاوه از سال ۱۹۶۴ اتحاد شوروی برای جلوگیری از حوادثی که گروه مائو در نواحی مرزی ایجاد میکردند و بسط آن حوادث، پیشنهاد مذاکره برای حل اختلافات کرده است ولی از جانب چین مذاکرات دنبال نشدند. اخیراً نیز اتحاد شوروی دوبار پیشنهاد مذاکره برای حل اختلافات کرده است.

حوادث مرزی دامانسکی ایراد ضربت سنگین بر انترناسیونالیسم پرولتاری و به حیثیت سوسیالیسم است. تصویر ناهنجاری از کمونیزم پدید می آورد، مایه نگرانی و آشفتگی نهضت انقلابی جهانی، موجب خرسندی و شادمانی محافل امپریالیستی است و مبارزه خلق ها بویژه خلق ویت نام، خلق های عربی در مقابل تجاوز اسرائیل و دیگر خلق ها زبان میزند. حزب ما بمثابه یک حزب انترناسیونالیست این واقعه را «محل» تلقی نمیکند و اشرار شایده خویش از فتنه انگیزی تازه گروه مائو ابراز میدارد و آنرا بشدت تقیح می کند و روش اتحاد شوروی را که در عین دفاع مجدانه از حقوق حقه خود راه مذاکره را برای حل اختلافات در پیش گرفته است روش درست و اصولی میسرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

با توجه به نفوذ سیاسی خود در ایران و کویت و عربستان سعودی، اعلام داشته، مخالفند زیرا تکیه بر نیروهای نظامی خود را بر اعتماد بحکومتها ضد ملی اکثر کشورهای خلیج که احتمال بروز اختلاف بین آنها از یکطرف و رشد جنبش ضد استعماری و آزادیبخش در این کشورها از طرف دیگر وجود دارد، ترجیح میدهند. محافظه کاران که بر مرتجعترین نیروهای انگلستان اتکاء دارند، باکی ندارند که بحزبان مالی این کشور را بوسیله فشار اقتصادی بیشتر بر توده های زحمتکش انگلستان تخفیف دهند. اما حزب «کارگری» که پایگاه اساسی آرایش در انتخابات اتحادیه های کارگری است علیرغم ماهیت ارتجاعی خویش، انتخاب چنین سیاستی را که موجب از دست دادن مقداری از آراء آن در استانه انتخابات است مضر میدانند. قطع نظر از جنبه تبلیغاتی اظهارات «هیث» علیه حکومت «کارگری»، این واقیعت بیرونی از سخنان مستفاد میشود که در صورت پیروزی حزب محافظه کار، موضوع تخلیه خلیج از نیروهای نظامی انگلیس منتفی خواهد بود علاوه بر این بار دیگر تأیید میگردد که بیشتر حکومتها سواحل خلیج از جمله دولت ایران تا کنون خواستار چنین اقدامی نبوده و بماندن این نیروها در این منطقه علاقمندند. علاقمندی ایران و سایر قدرتهای ارتجاعی سواحل خلیج از اینجا پیداست که انگلستان حتی برای بقای خود در این منطقه و یا داشتن «تعهد دفاعی» و حمایت از بعضی از کشورهای این ناحیه تقاضای کمک مالی میکند. چندی پیش دبیس هلی وزیر دفاع انگلستان صریحاً بنحو تهدید آمیزی گفت که: «اگر از این راه کمی بانک انگلستان نشود انگلستان ناگزیر است بخاطر اجرای برنامه صرفه جویی خود از تعهدات خویش در خاور میانه بکاهد.» در واقع شیوخ و حکام خلیج فارس، شاه ایران و حکومت سعودی و کویت که از لحاظ اقتصادی و سیاسی با امپریالیستها و از جمله امپریالیسم انگلستان

# یک سند مهم حزب ما

تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما

منافع طبقه کارگر و دیگر توده های عظیم مردم ایران بطور جدائی ناپذیر با یکدیگر پیوند یافته است.

مبارزه ما علیه امپریالیسم و عمال آن، علیه تسلط انحصارهای امپریالیستی بر اقتصاد و منابع ثروت کشور، مبارزه ما برای تأمین یک سیستم اقتصادی مستقل منطبق با منافع اکثریت قاطع مردم و رشد سالم و سریع و همه جانبه اقتصاد ملی جز مبارزه در جهت مصالح واقعی میهن و آینده کشور عزیز ما ایران چیز دیگری نیست. اگر ما در راه تحقق یک سیاست خارجی متکی بر استقلال ملی و صلح، حسن همجواری و دوستی بین ملتها و دفاع از جنبش استقلال طلبانه ملتگاهی که برای نجات خود بیکار میکنند مبارزه میکنیم برای آنست که این سیاست را عمیقاً منطبق با مصالح واقعی حال و آینده ایران میدانیم.

حزب توده ایران معتقد است که یکی از عمده ترین علل با برجا ماندن رژیم حکومت مطلقه پراکنده و عدم هماهنگی بین نیروهای میهن پرست و آزادیخواه ایرانیست و به همین سبب است که کوشش در راه ایجاد چنین اتحادی را وظیفه مرکزی و مستمر خویش تلقی میکند. حزب ما کلیه مساعی لازم را بکار خواهد برد تا در اطراف مسئله مرکزی مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک و علیه حکومت پلیسی ترور و اختناق همه نیروها را، صرف نظر از تجلیل ها و تفسیرات و عقاید مختلفه، مجتمع سازد.

اتحاد عمل در پیرامون مسائل روزانه از قبیل اقدامات مشترک برای دفاع از این یا آن زندانی سیاسی، مبارزه متحد در راه آزادی همه زندانیان سیاسی، مبارزه مشترک برای افشاء جنایات و اعمال خلاف قانون وابستگی تاریخی دارند و بجماعت امپریالیستها بمردم این منطقه تحمیل شده اند، بیم دارند که پس از خروج نیروهای انگلیس در خلیج فارس تناسب نیروها در این منطقه بسود جنبش های رهایی بخش ملی تغییر کند و وضع آنها را بخطر اندازد. باین دلیل است که از دولت خود یعنی دشمن ملت ما تقاضای بقای در این منطقه را دارند. این معنی را «هیث» در مصاحبه خود باین نحو بیان میکند که: «مردم این منطقه میگویند ما باید با برخورداری از ثبات صلح و آرامش بتوانیم به پیشرفتهای خود ادامه دهیم و مایل نیستیم که مانند برخی از کشورهای دیگر در هرج و مرج و آشوب غوطه ور شویم، جای تردید نیست که معنی «ثبات» و «صلح» و «آرامش» در قاموس «هیث» بقاء وضع موجود یعنی چپاول و غارتگری منابع نفتی خلیج فارس و کشورهای مجاور آن و مفهوم «هرج و مرج و آشوب» جنبش های استقلال طلبانه و ملی در خاور نزدیک و میانه است. از اظهارات «هیث» و واکنشهای محافل دولتی و گفته های شاه بخوبی معلوم است که اساس سیاست ایران در خلیج فارس همکاری، وفاداری و صداقت نسبت بانپریالیستهاست یعنی چنان سیاستی که ذره ای با داعی باطل حکومت ایران یعنی در پیروی از «سیاست مستقل ملی» نه تنها موافق نیست بلکه درست سیاسی است ضد ملی.

۱. گویا

سازمان امنیت و محاکم نظامی، مبارزه متحد برای ارجاع محاکمات سیاسی به محاکم دادگستری، مبارزه مشترک برای تصویب قانون عفو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی، مبارزه مشترک برای آزادی اجتماعات و احزاب و تصویب قانون اجتماعات و غیره. بهترین وسیله برای ایجاد زمینه چنین اتحادی است. اقدامات مشترک باید تدریجاً باین نتیجه بیانجامد که زمینه اتحاد بر مبنای برنامه مشترک عمل را فراهم سازد. تجارب سالهای اخیر اثر بخشی وحدت عمل را در عرصه های گوناگونی با اثبات رسانده است.

حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره خود با تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی میهن پرست و آزادیخواه، صرف نظر از آنکه عقاید و مشی آنها با ما موافق باشد یا نه، دفاع کرده و میکند. حزب توده ایران باین خط مشی سیاسی که مبتنی بر واقعیات عینی جامعه ماست ایمان راسخ دارد و معتقد است در مرحله کنونی، انحراف از این راه جز اتلاف نیروها و کشاندن آنها با اقدامات ماجراجویانه جز راندن توده ها به یأس و بد بینی، بسود مواضع ارتجاع و امپریالیسم ثری ندارد.

بدین ترتیب سند تحلیلی از وضع کشور و وظایف مبرم ما «میگوشد بر بنیاد علمی» بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم اوضاع کنونی میهن ما را تشریح نماید و از درون این تحلیل علمی وظایف مبرم حزب را در شرایط کنونی بیرون کشد. سند مصوب هیئت اجراییه که نتیجه خرد جمعی حزب ماست پدیده های نوین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر ایران را طی یک سنتز جامعی توضیح میدهد. تحقق پذیر ترین وظایف انقلابی بر بنیاد این سنتز روشن گردیده است تا راه بسوی انقلاب دموکراتیک نوین بسر کردگی (هژمونی) طبقه کارگر گشوده شود. این سند هم از ایورتونیزم راست و آراستن رژیم ضد ملی، ضد دموکراتیک و سلطنت مستبد و ایجاد پندارهای رفورمیستی و هم از آوانتوریسم چپ و دادن شعارهای تند و تیز بدون توجه به واقعیت و بدون تجزیه و تحلیل علمی آن و بدون استفاده از امکانات واقعی مبارزه بدور است و دنباله منطقی تلاشی است که از مدت ها پیش از جانب حزب ما و رهبری آن برای انطباق جهان بینی عمومی میگیرد. موافق تصمیم هیئت اجراییه این سند باید مورد بررسی عمیق همه رفقای حزبی و اجراء عملی قرار گیرد. تردیدی نیست که حزب بنا به سنت خود از آزمایشهای ناشی از عمل و از نقادانی سازنده مبارزان فیض گرفته و خواهد گرفت.

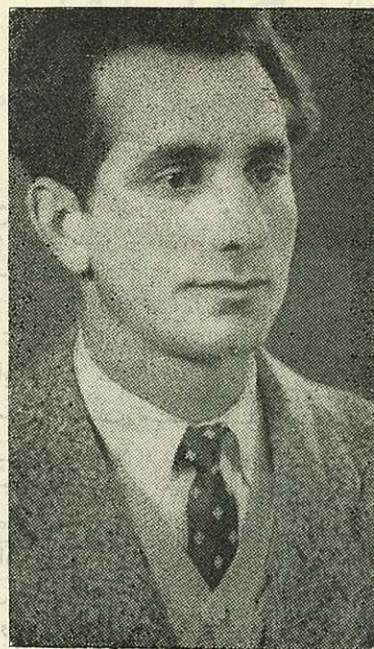


با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق محمد سجادی در سن ۳۹ سالگی به بیماری سرطان درگذشت.

رفیق سجادی از سن ۱۲ سالگی کارگر کارخانه بلور سازی تهران بود. سال ۱۳۲۳ عضویت اتحادیه کارگران و در سال ۱۳۲۶ عضویت حزب توده ایران پذیرفته شد. در دوران خدمت وظیفه تلفنچی ستاد ارتش شد و در این پست خدمات شایانی برای حزب انجام داد. رفیق سجادی در سال ۱۹۵۶ مجبور به مهاجرت شد. در مهاجرت آموزشگاه برق را بپایان رسانید و سپس وارد دانشکده برق گردید و در این دانشکده سه سال تحصیل نمود ولی متأسفانه بیماری مانع ادامه تحصیلات او شد و سرانجام پس از یک عمل جراحی درگذشت.

مرگ رفیق مبارز سجادی را بخانواده، رفقا و دوستانش صمیمانه تسلیت میگوئیم.

دنباله از صفحه ۱



## استعمار جمعی در نفت ایران گسترش مییابد

رقابت بین شرکت‌های نفتی دیگر امکان عقد قرارداد هائی مانند قرارداد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و حتی قرارداد کنسر - سیوم بین المللی نفت نیست. بسخن دیگر قرار داد های جدید نفتی از نظر تقسیم سود با شرایط بهتر برای ایران، نسبت به قراردادهای گذشته، منعقد میگردد.

بنابراین مسئله اصلی این نیست که ایران با قراردادهای جدید نفتی مقداری دلار بیشتر بدست میآورد. سخن بر سر این است که این دلارها بچه قیمت بدست میآید. عقد قراردادهای نفت یا شرکت‌های نفتی امپریالیستی توسط یک رژیم وابسته به امپریالیسم یعنی حفظ و توسعه تسلط اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران. دور تسلسلی که رژیم دچار آن شده از ماهیت آن و از ماهیت امپریالیسم سرچشمه میگیرد. در نتیجه سیاست ضدملی مخارج نظامی افزایش مییابد، دستگاه دولتی پلیسی و بوروکراتیک متورم میشود، واردات به شش برابر صادرات میرسد و آنوقت دولت برای آنکه این بار سنگین مالی را بدوش بکشد باید دست گدائی پیش امپریالیستها دراز کند. و چون امپریالیستها مجانی و از روی خیرخواهی پول بکسی نمیدهند رژیم باید منابع نفت ایران را حراج کند و همه امپریالیستها را هم شریک سازد یعنی استعمار جمعی را گسترش دهد و عوامل وابستگی و اسارت مردم ایران را تثبیت کند و عمیق تر سازد. و باز روز از نو روزی از نو.

### استعمار جمعی گسترش مییابد

علاوه بر این فشار مالی و اقتصادی خود رژیم بنا بدعوی سخن گویانش برای ایجاد «ضمانت و امنیت» یعنی حفظ رژیم کنونی بکمک امپریالیستها، آگاهانه نیز سرمایه گذاری

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حزبی ما فضل اله (فرضی) دهقان در سن ۷۲ سالگی به بیماری سرطان گلو درگذشت.

رفیق فضل اله (فرضی) دهقان یکی از قدیمی ترین مبارزان راه آزادی ایران و یکی از با سابقه ترین اعضا حزب توده ایران است. رفیق فقید دهقان سراسر زندگی آگاهانه خود را در این راه گذاشت. او در سال ۱۲۷۵ در قریه نونه کران از محال اردبیل در یک خانواده دهقان تولد یافت و در ۲۶ سالگی در شهر آستارا به عضویت حزب کمونیست ایران درآمد.

فعالیت انقلابی رفیق فقید دهقان بمشابه یکی از فعال ترین اعضا حزب از نظر پلیس دیکتاتوری رضا شاه بنهان نماند و به همین جهت تحت تعقیب قرار گرفت. او در سال ۱۳۱۰ از طرف شهربانی آستارا دستگیر و زندانی شد. دهقان پس از آنکه مدت‌ها در زندانهای آستارا، اردبیل و تبریز بدون محاکمه باقی ماند تهران اعزام شد و در حدود ۱۰ سال در زندان قصر قاجار زندانی گردید. او در زندان با وجود انواع محرومیتها تنزل از خود نشان نداد و روحیه انقلابی خود را تا آخرین روز در زندان حفظ نمود پس از دهسال زندان از طرف دادگاه فرمایشی رضا شاه به شش سال زندان محکوم گردید. با وجود این شهربانی مختاری او را آزاد نگذاشت و از زندان یکسره بشهر نهاوند تبعید نمود. پس از سقوط دیکتاتوری

بشرکت همه امپریالیستها یعنی استعمار جمعی را تشویق و تقویت میکند. این واقعیت را در مورد همین قراردادهای جدید نفتی آشکارا میتوان مشاهده کرد.

رژیم با سروصدای فراوان اعلام میکند که در اثر «انقلاب شاهانه» شرکت ملی نفت ایران قادر است مستقلاً سرمایه گذاری و بهره برداری در نفت بیردازد آنهم نه فقط در داخل کشور بلکه حتی در کشورهای خارجی! و گاه هم صحبت از فعالیتهای نفتی ایران در هند و مراکش و غیره میشود. سؤال اینست که پس چرا شرکت ملی نفت با اینهمه «توانائی» هر روز قسمتی از منابع نفت را در اختیار یک شرکت خارجی امپریالیستی میگذارد؟

سؤال دیگر اینست که چرا با اینکه طبق قانون نفت واگذاری منابع جدید نفتی باید از راه مزایده انجام گیرد قراردادهای جدید بزیاده گذارده نشده؟

سؤال آخر اینست که اگر شرایط بین المللی عقد قراردادهائی را که به نسبت قرار داد کنسرسیوم بین المللی با صرفه تر است - ممکن میگردد، پس چرا قرارداد غارتگرانه کنسرسیوم همچنان بقوت خود باقی است؟ آیا همه اینها بدین معنی نیست که رژیم میخواهد برای «ضمانت و امنیت» خود امپریالیستهای گوناگون را هر چه بیشتر در ایران



رضا شاه و رهائی از تبعید پرشرترین دوران زندگی رفیق دهقان آغاز شد. رفیق فقید یکی از مؤسسين حزب توده ایران در شهر آستارا بود. در نهضت آذربایجان در مقام فرماندهی فدائیان به آزادی شهر آستارا و نمین کمک مؤثری نمود. در دوران حکومت ملی در آذربایجان چندی فرماندار آستارا و پس از آن فرماندار مشکین شهر شد. رفیق فقید دهقان در سال ۱۳۲۵ مجبور به مهاجرت با اتحاد شوروی گردید. او تا آخرین لحظه حیات خود از راه بر افتخار وفاداری با اصول مارکسیسم - لنینیسم سر بر نتافت و به آرزوی وطن و سعادت خلقهای ایران چشم از دنیا بر بست. مادر گذشت رفیق فضل اله دهقان را به خانواده، دوستان و رفقای او صمیمانه تسلیت میگوئیم.

دنباله از صفحه ۸

### ضمیمه «ماهنامه مردم»

نبودن تخت بیمارستان و نداشتن وسائل لازم درمانی و اشکال تراشی های فراوان روبرو هستند. اخباری درباره کارگران کارخانه موزائیک سازی تهران، کارگران سنگ کوبی، کارگران شرکت اتو توکل نیز از مطالب شماره اخیر «ضمیمه مردم» است در مقاله ای تحت عنوان «فعالیت مخفی و اسناد حزبی» لزوم رعایت همه جانبه پنهانکاری و طرز استفاده از اسناد حزبی در شرایط مبارزه مخفی مشروحاً توضیح داده شده است.

انتشار منظم «ضمیمه مردم» گرمی بخش همه مردمی است که به امید فردای روشن میهن ما مردانه میزنند. ما توفیق آتی دشوار آنها از صمیم قلب آرزو مندیم.

ذینفع کند و دست به ترکیب کنسرسیوم بین المللی نفت که همچنان ۹۵ درصد تولید و فروش نفت ایران را در اختیار دارد نزند؟ آیا همه اینها تقویت پایگاه امپریالیسم در ایران و گسترش استعمار جمعی نیست؟

نیروهای ملی و مترقی ایران باید هم ماهیت ضد ملی سیاست نفتی دولت ایران را افشاء کنند و هم برای جلوگیری از این حراج خائنه بزرگترین ثروت ملی ایران مبارزه خود را تشدید نمایند. م. فرزانه



## صد بهرنگی

دوست کودکان و ستایشگر فرهنگ خلق خویش  
(بمناسبت درگذشتش)

اواخر تابستان گذشته، خبر مرگ پیشرس «صد بهرنگی» انتشار یافت. اخبار رسمی حاکی از آن بود که «بهرنگی» بهنگام شنا در رودخانه ارس غرق شده است. ولی شایعات گوناگون بر این خبر رسمی سایه شک و تردید میاندازد. عده‌ای مرگ او را نتیجه توطئه قبلی سازمان امنیت میدانند و عده‌ای دیگر معتقدند «بهرنگی» حین عبور از رودخانه ارس بقصد خروج از ایران بدست مرزبانان ایرانی به قتل رسیده است. بهر حال فقدان این نویسنده جوان و بااستعداد بخصوص با توجه به نحوه تفکر و شیوه برخورد واقع‌بینانه‌اش به مسائل اجتماعی موجب تأسف فراوان است.

«بهرنگی» در حیات کوتاه خود به خلق آثار برجسته‌ای توفیق یافت که بطور عمده به ادبیات کودکان تعلق دارد «بهرنگی» رفیق و قصه گوی روشن بین کودکان در تمام قصه‌هایش کوشش دارد «درک علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسان» در قالب داستانهای شیرین به کودکان بدهد. او معتقد است: «چرا باید در حالیکه برادر بزرگ دلش برای یک نفس آزاد و یک دم هوای تمیز لک زده کودک را در بیهوشی از «خوشبختی و امید و شادی الکی» خفه کنیم... آیا نباید به کودک بگوئیم که در مملکت تو هستند بچه‌هایی که زنگ گوشت و حتی پنیر را ماه به ماه و سال بسال نمی‌بینند؟ چرا که عده قلبی دلشان میخواهد همیشه «غازسرخ شده در شراب» سرسره‌شان باشد. آیا نباید بکودک بگوئیم که بیشتر از نصف مردم جهان گرسنه‌اند و چرا گرسنه‌اند و راه بر انداختن گرسنگی چیست؟ بهرنگی معتقد است که: «ادبیات کودکان باید پلنی باشد بین دنیای رنگین و بیخبری در رؤیا و خیال‌های کودکی و دنیای تاریک و آگاه غرقه در واقعیت‌های تلخ و درد آور و سرسخت محیط اجتماعی بزرگترها. کودک باید از این پل بگذرد و آگاهانه و مسلح و چیراغ بدست به دنیای تاریک بزرگترها برسد» بر اساس این اعتقاد درست، فکر و اندیشه کودکان را بجانب شناختن جامعه‌ای که در آن زندگی میکنند راهبر میشود.

«صد بهرنگی» که از آذربایجان بود به زبان و ادبیات مادری خویش عشق فراوان داشت و در راه جمع آوری فرهنگ توده آذربایجان زحمات فراوانی متحمل شد. او به ضبط افسانه‌های آذربایجانی همت گماشت تا با انتقال از لوح سینه‌ها بر اوراق مدون بدانه‌ها حیات جاودان بخشد. وی آرزو میکرد که کودکان آذربایجانی روزی بتوانند زبان مادری خود بخوانند و بنویسند. اریه «بهرنگی» برای کودکان که آنهمه به سرنوشتشان عشق میورزید و هم برای هموطنان بزرگسالش، آثار ارزنده‌ای است که از خود باقی گذاشته است.

دنباله از صفحه ۱

## اعلامیه بمناسبت اول ماه مه

و در کلیه نگاههای صنعتی و کارگاههای ایران اتحادیه‌های وابسته بشورای متحده بوجود آمد. شورای متحده مرکزی شادروان رضاروستا را که در سازمان دادن اتحادیه‌های کارگری و تحکیم صفوف زحمتکشان ایران فعالیت شایانی کرده بود سمت دبیر کل انتخاب نمود. شورای متحده مرکزی که در مبارزات سندیکائی و همچنین در مبارزات دموکراتیک همه خلقهای ایران به‌عامل مهمی مبدل شده بود بصورت فدراسیون سندیکائی جهانی پذیرفته شد.

در نتیجه مبارزه کارگران و فعالیت شورای متحده مرکزی برای نخستین بار قانون بیمه کارگران تصویب رسید و لایحه قانون کار به شکل تصویب نامه دولت ابلاغ شد، طبق قانون ساعات کار روزانه به ۸ ساعت در روز محدود گردید، اشل متحرک برای حد اقل دستمزد با توجه به تغییرات هزینه زندگی برقرار شد. مرخصی هفتگی و مرخصی اعیاد ملی و روز اول مه، مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق جنبه قانونی پیدا کرد. بیمه اجتماعی، پرداخت دستمزد در موقع بیکاری، مرخصی برای زنان باردار، مزد مساوی برای کار مساوی در مورد زنان و مردان، جلوگیری از کار کودکان، رسمیت یافتن اتحادیه‌های کارگری، حق اعتصاب از جمله حقوقی است که برهبری حزب توده ایران زحمتکشان متشکل در اتحادیه‌های وابسته بشورای متحده مرکزی بدست آوردند.

تجربه دوران فعالیت علنی شورای متحده مرکزی نشان میدهد که کسب آزادی‌های سندیکائی برای کامیابی مبارزات روزانه کارگران، برای تحقق بخشیدن بخواسته‌های اقتصادی و اجتماعی آنان و برای استقلال ملی و صلح ضرورت دارد و میتواند پایه وحدت عمل توده‌های وسیع قرار گیرد. اگر مبارزه برای آزادی‌های سندیکائی بمبارزات مطالباتی وسعت‌یافته قشرهای زحمتکشان و جنبش دموکراتیک عموم خلق پیوند یابد میتواند بشکل طبقه کارگر در اتحادیه‌های صنفی و تحکیم این اتحادیه‌ها کمک کند.

همت حاکمه ایران و در رأس آن شاه که با توسل شکنجه و اعدام و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مصرح در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را از طبقه کارگر و عموم زحمتکشان ایران سلب کرده‌اند برای اینکه چهره ضد دموکراتیک خود را بیوشانند از وجود قانون کار و آزادی‌های سندیکائی دم میزنند و در حالیکه کارگران با تجربه روزانه خود دروغ و پوچ بودن این ادعا را درک میکنند. وقتی میتوان از وجود آزادی‌های سندیکائی بمعنای واقعی کلمه سخن گفت که زحمتکشان بتوانند بدون دخالت کارفرمایان و سازمان امنیت و سایر سازمانهای دولتی آزادانه اتحادیه‌های خود را تشکیل دهند، در هر گونه فعالیت سندیکائی شرکت جویند، در محل کار و یا خارج از آن برای بیان نظریات خود در مسائل مورد علاقه خویش

جمع شوند، مطبوعات خود را منتشر کنند، نمایندگان مورد اعتماد خویش و رهبران اتحادیه‌ها را انتخاب نمایند و در هر اقدامی که برای دفاع از منافع زحمتکشان بعمل می‌آید شرکت جویند، از حق اعتصاب و تظاهر و اشکال دیگر مبارزات سندیکائی بر خوردار باشند، اساسنامه اتحادیه خود را بدون دخالت دولت و کارفرمایان تنظیم و اجراء نمایند، با سازمانهای سندیکائی کشورهای دیگر و سازمانهای سندیکائی بین‌المللی آزادانه در ارتباط باشند. کارگران ایران میدانند که رژیم شاه مجموعه این حقوق و آزادی‌ها را از آنها سلب کرده است.

گرداندگان رژیم میکوشند با لفاظی‌های عوامفریبانه پندار غلط هماهنگی طبقاتی همکاری استعمارگران و استعمار شوندگان را در بین کارگران رسوخ دهند و آنها را با وعده‌هایی از قبیل سهم کسزدن در سود کارخانه بفریبند ولی تجربه روزانه پوچ بودن همه این لفاظیها را بکارگران نشان میدهد. رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی کلیه قوانین از آنجمله قوانین کار و بیمه اجتماعی را که تا حدودی متضمن منافع زحمتکشانست بلا اجرا میگذازد. طبق قانون کار «حد اقل مزد کارگر عادی با توجه به حوائج ضروری و هزینه زندگی در نقاط مختلف کشور باید طوری باشد که تأمین زندگی یک مرد و یک زن و ۲ فرزند را بنماید» بنا باغتراف وزیر کار حد اقل مزد ۲۳ سال پیش بین ۳۱ تا ۴۰ ریال تعیین گردید. اینک در حالیکه هزینه زندگی طی این مدت حد اقل چهار برابر افزایش یافته حد اقل مزد به میزان ۵۰ تا ۶۰ ریال یعنی ثلث مبلغ قانونی تثبیت میگردد. با اینوصف در پوچ بودن ادعا‌های وزیر کار درباره حفظ و بالا بردن قدرت خرید طبقه کارگر، حمایت نیروی کار، حمایت اجتماعی از نیروی مولد کشور و غیره جای شک باقی نماند.

وظیفه مقدس کارگران آگاه که مکتب مبارزات طولانی را گذرانده‌اند این است که نیازمندیها و خواسته‌های مبرم توده‌های زحمتکش را در مرکز توجه قرار داده با مشخص کردن حیاتی‌ترین خواست‌ها شعارهای مبارزه را تنظیم و زحمتکشان را برای مبارزات مطالباتی متشکل و رهبری نمایند، باید در شرایط کنونی که زندگی سندیکائی بمعنای واقعی آن وجود ندارد در سندیکاهای موجود ولو آنکه ایجاد کننده آنها دولت و اداره کنندگانش عمال دولتی شرکت ورزند و با استفاده از قوانین و آیین‌نامه‌های موجود این سندیکاها را بتدریج به وسیله مبارزه صنفی کارگری مبدل سازند. تردیدی نیست که طبقه کارگر ایران با تکیه به تجارب غنی خود و با توجه به تجارب جنبش کارگری و رهائشی بخش ملنی در سراسر جهان، با استفاده از پشتیبانی نیروهای دموکراتیک سراسر جهان و در درجه اول کهکهای بیدریغ اردوگاه صلح و شوسالیسم خواهد توانست نفوذ امپریالیسم و سلطه‌آر تجار را بر اندازد و با استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک مینهن ما را بر راه ترقی سوق دهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۱

## بحران مناسبات ایران و عراق

قرار داد ۱۳۱۶ (ژوئیه ۱۹۳۷) در باره شط العرب که روزی با وساطت امپریالیسم انگلستان در آستانه امضاء قرار داد سعد آباد با سلام و صلوات به امضاء رضا شاه موشح گردید امروز به الهام محافل امپریالیستی امریکا و انگلستان و المان غربی که جای پای خود را بویژه پس از جنگ تجاوزی اسرائیل در عراق و چند کشور دیگر عربی از دست داده‌اند از طرف فرزندوی محمد رضا شاه لغو میگردد.

در اینکه بحقوق ایران صاحب سواحل شرقی شط العرب که بنادر مهمی مانند آبادان و خرمشهر در آن قرار دارد طبق مقررات بین‌المللی باید احترام گذاشته شود جای تردیدی نیست. در اینکه ایران با داشتن طولانی‌ترین ساحل در خلیج فارس مانند سایر کشورهای ساحل نشین دارای حقوق مسلمی در خلیج فارس است در آنهم تردیدی نمیتوان داشت ولی واقعیت آنست که زمامداران ایران هم هنگامیکه قرار داد ژوئیه ۱۹۳۷ را در باره شط العرب امضاء نمودند و هم امروز که با های و هوی و لشکر کشی آنرا لغو میکنند نقش آتش بیاز امپریالیسم و ارتجاع را ایفاء کرده و مینمایند.

شاه ایران که پس از مسافرت اخیر خود به امریکا بمنظور شرکت در مراسم دفن آیزنهاور یکی از بنیادگزاران و پشتیبانان واقعی رژیم کنونی ایران و ملاقات با نیکسون و مشاوره با محافل پنتاگون و همچنین پس از مذاکرات طولانی خود در تهران با ادوارد هیت رهبر حزب محافظه کار انگلستان بچنین اقدامی دست میزند در شرایط کنونی علیرغم تبلیغات بلندگویان رژیم حاکم در ایران بطور عینی اقدامی بنفع امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه انجام میدهد. بهمین سبب عدم موافقت ما با اقدامات کنونی دولت ایران نه از آنجهت است که گویا برای ایران مشابه ساحل نشین شط العرب طبق حقوق عادی بین‌المللی حتی قابل نیستیم بلکه بعکس چون اقدامات ماجراجویانه دولت ایرانرا که معنادر شرایط کنونی بنفع نقشه‌های امپریالیستی در خاورمیانه است مخالف مصالح واقعی مردم ایران و حل واقعی مسئله شط العرب میدانیم با آن مخالفیم. بنظر ما اختلافات مرزی دولت ایران و عراق باید به وسیله‌ای تهدید و ازعاب و لشکر کشی بلکه از راه مذاکرات مستقیم و دوستانه در چهارچوب حفظ و احترام حقوق دو همسایه و آزاد از هر گونه توطئه امپریالیسم و ارتجاع جهانی حل شود و از اینراه بحرانی که در مناسبات دو کشور بوجود آمده خاتمه یابد. بنظر ما سیاست ایران باید در جهت کمک و همکاری با کشورهای در خاورمیانه که در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم قرار دارند رهبری گردد نه در جهت تبدیل ایران مشابه پایگاه دوم امپریالیسم در خاورمیانه علیه جنبش‌های رهائی بخش ملنی و اجتماعی در این منطقه.

مردم کشور ما اتخاذا چنین سیاستی را محکوم میکنند، بدون تردید تعقیب کنندگان چنین سیاستی روز بروز در داخل و خارج ایران مغرورتر و مغرورتر خواهند گردید.

ر. خرسند

۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۸



افتخار به شهیدان اردیبهشت رفقا آرسن آوانسیان ، هوشنگ پور رضوانی ، علی عظیم زاده ، خسرو جهانان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهتاب ، ایوب کلانتری . باشد که خاطره تابناک این شهیدان مشعل مبارزه نسل جوان قرار گیرد!

## از انقلابیگری تا ضد انقلاب

وقتی ما به چپ روها میگفتیم که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی آگاهانه یا نا آگاهانه، خواه ناخواه، عملاً بنفع امپریالیسم و ارتجاع تمام میشود. راه را بر ضد کمونیسم در اپوزیسیون ضد رژیم باز میکند و در نتیجه مجریان چنین سیاستی را علیرغم انقلابیگری در موضع ضد انقلاب قرار میدهد، سخت برآشفته میشوند. جمع بندی کتوهای از فعالیت گروههای رنگارنگ هوادار «اندیشه مائوتسه دون» بیش از حد انتظار صحت این پیش بینی را ثبوت رسانده است:

۱) مائوتیستهای ایرانی مدعی هستند که «قهرمان» مبارزه با رژیم اند. ولی آنها در تبلیغات شفاهی و کتبی خود هدف اصلی حمله را متوجه حزب توده ایران و اتحاد شوروی کرده اند. آنها با چه خصومت و کینه ای. به امپریالیسم و رژیم فقط ناسزا میگویند بدون آنکه به تحلیل عمیق سیاستها و مانورهای گوناگون آنها بپردازند، ولی تمام «دانش تئوریک» خود را در خدمت مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک با حزب توده ایران و اتحاد شوروی قرار داده اند. و این یعنی ایجاد عدم اعتماد و خصومت نسبت به حزب توده ایران و اتحاد شوروی، آنها در شرایطی که امپریالیسم در صحنه جهانی آتش خود را بر روی اتحاد شوروی و رژیم در ایران فشار خود را بر روی حزب توده ایران متمرکز کرده است. یعنی درست همان نیروهایی که در صحنه جهان و ایران سنگین ترین بار مقاومت بر ضد امپریالیسم و ارتجاع را بدوش میکشند. آیا جمله پردازی انقلابی بر ضد امپریالیسم و رژیم با این ترتیب بمبارزه عملی بر ضد اصیل ترین نیروهای انقلابی مبدل نشده است؟

۲) مائوتیستهای ایرانی با شعار «انقلاب قهر آمیز» بمیدان آمدند. تقلاهای کوچکی نیز برای «برافروختن جنگ پارتیزانی» شده است. ولی نتیجه چه شد؟ عده ای بیگانه را به کشتن دادند. به رژیم بهانه برای تشدید فشار دادند. چون این شعار خیلی زود در شرایط مشخص کنونی غیر واقع بینانه و ماجراجویانه از آب درآمد. عده ای را که به صحت این شعار امید بسته بودند، مأیوس کردند و از صحنه مبارزه خارج ساختند. و حالام بجای آنکه مانند یک کمونیست و مارکسیست-لنینیست واقعی به اشتباه سنگین خود اعتراف کنند، با لجاجت به این شعار غیر واقع بینانه و ماجراجویانه در شرایط کنونی چسبیده اند، یعنی به گمراه ساختن مردم و فریبکاری ادامه میدهند. آیا این روش شایسته یک انقلابی واقعی است؟

۳) مائوتیستهای ایرانی وانمود میکنند که «اندیشه مائوتسه دون مارکسیسم-لنینیسم عصر حاضر است». ولی این «اندیشه» در تئوری و در عمل چیزی جز یک مشت دگم همراه با رویزیونیسم «چپ» که در خدمت شوونیسم و هژمونیک گروه مائوتسه دون قرار گرفته است، نیست. آنها در همانحال چون از مارکسیسم-لنینیسم روی

## شماره جدید

### ضمیمه ماهنامه «مردم»

شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» ارکان مرکزی حزب توده ایران و تشکیلات تهران» بمثابة سند زنده حیات، جوشش و کوشش حزب ما در ظلمت استبداد انتشار یافت. سر مقاله این شماره اختصاص به ارزیابی مبارزات مردم بیکار جوی مین و افشاء کارنامه سیاه هیئت حاکمه در سال گذشته دارد. در این مقاله ضمن اشاره به سختیها و دشواریهایی که مردم در سال ۱۳۴۷ چه در نتیجه قهر طبیعت و چه در اثر مظالم هیئت حاکمه متحمل شدند گفته میشود: «در سال ۴۷ مشکلات داخلی بیش از پیش عیان شد و طبقه حاکمه باز هم برای اقیاد و اسارت خلق های مادر جهت منافع امپریالیستهای انگلیسی و امریکائی قدمهای تازه تری برداشت قسمت اعظم بودجه کشور به ارتش تعلق گرفت. قرضه های جدیدی بمنظور خرید سلاح های امریکائی و جت های فانتوم بحساب آخرین رمق زحمتکشانشان اخذ گردید و بر حلقهات زنجیر

و اتحاد شوروی با همه کس متحد شده اند. تنها ملاک همکاری و اتحاد با سایر افراد و گروهها برای آنها موضع ضد توده ای و ضد شوروی بوده است. نتیجه اینکه آنها در این اتحاد نامقدس در کنار ضد کمونیستها، انارشیستها، تروتسکیستها و عناصر مشکوک قرار گرفته اند. آیا میتوان باین عناصر منحرف و دشمن بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی متحد گردید و مدعی خدمت به انقلاب شد؟ چنین است واقعیت تلخ و دردناکی که با آن روبرو هستیم و ما وظیفه صراحت و صداقت انقلابی خود میدانیم که آنها اشکار و روشن بگوئیم. متأسفانه باید گفت که این نخستین بار نیست که انقلابیگری به ضد انقلاب تبدیل میشود. زیرا هر کس که در اشته خود پافشاری کند مرتکب اشتباه سنگین تری میشود که سرانجام آن روشن است. ولی از تجربه تاریخ هم بهر حال باید درس گرفت. هشدار ما بهمین دلیل است. بدیهی است که ما تصور باطلی در باره آنها که «متعهد» شده اند نداریم. هشدار ما بکسانی است که احساسات صادقانه و حسن نیتی دارند و در جستجوی راهی برای پیروزی انقلاب ایران هستند. اینها هستند که باید بجای شکستن آئینه حقیقت نما، بخود آیند و واقعیت تلخ و دردناک را ببینند. ببینند که چشمه گوارائی که بآنها وعده داده بودند، نه فقط سرابی بیش نبوده، بلکه لجن زاری است که غرق شدن در آن جز آلودگی و نابودی سرانجامی ندارد. ببینند که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی سیاستی است ضد انقلابی و هیچگونه انقلابیگری حتی زیر نام مارکسیسم و کمونیسم هم نمیتواند در این واقعیت تلخ و دردناک تغییری بدهد. آموخته را نباید بار دیگر آموذ.

۴) مائوتیستهای ایرانی تشتت فکری را با پراکندگی در عمل تکمیل کردند. آنها در جلسات دانشجویی و غیر دانشجویی اختلاف و تفرقه را که متأسفانه در اپوزیسیون ضد رژیم وجود داشت دامن زدند و آنرا به اوج خود رساندند. آیا در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری بوحدت عمل و اتحاد نیروهای ضد رژیم-صرف نظر از اختلافات سیاسی و مسلکی- نیاز هست دامن زدن به اختلاف و تفرقه یک عمل انقلابی است؟

۵) مائوتیستهای ایرانی حزب ما را متهم به فقدان «استقلال اندیشه و عمل» میکنند. ولی این مدعیان استقلال در اندیشه و عمل چنان بنده و از در برابر «مائوتسه دون» سر فرود آورده و تسلیم شده اند که حیرت انگیز است. در نیمه دوم قرن بیستم، زمانیکه جنبش جهانی کمونیستی کیش شخصیت را بعنوان عصری بیگانه با مارکسیسم-لنینیسم رد کرده اینان شیوه پرستش قرون وسطائی را رواج میدهند، آنها بنام انقلاب و مارکسیسم. آیا این تبلیغ تبعیذ مذهبی، آیدافاع از این بردگی فکری و عملی کوچکترین وجهه شبهی با تفکر انقلابی دارد؟

۶) مائوتیستهای ایرانی با طرح و دامن زدن به مسائل مورد اختلاف سیاسی و ایدئولوژیک در جلسات دانشجویی و غیر دانشجویی و وادار کردن شرکت کنندگان در این جلسات به موضع گیری، به شناساندن مخالفان واقعی رژیم و هواداران سازمانهای گوناگون اپوزیسیون ضد رژیم-که همه در شرایط مخفی فعالیت میکنند و همه در خطر تعقیب (بویژه هنگام بازگشت به ایران) قرار دارند- کمک جدی کردند. آیا میتوان شناساندن مبارزان ضد رژیم را به عمال رژیم عمل انقلابی نام نهاد؟

۷) مائوتیستهای ایرانی با سیاست ضد توده ای و ضد شوروی خود بهترین پوشش را برای چپ نماها و عمال دشمن فراهم کردند. زیرا وقتی ضد توده ای و ضد شوروی بودن از نظر آنها «مارکسیسم» و «انقلابی» تلقی گردد، چگونه میتوان عامل دشمن را که جمله پردازی انقلابی میکند ولی در همانحال بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی تبلیغ و مبارزه میکند شناخت؟ آیا ایجاد چنین پوششی برای دشمن عمل انقلابی محسوب میشود؟

۸) مائوتیستهای ایرانی در مبارزه خصمانه و کینه توزانه خود بر ضد حزب توده ایران

اسارت اقتصادی و سیاسی کشور ما افزوده گردید» سپس با تجلیل از مبارزات مردم در سال گذشته گفته میشود: «یلان و طراز نامه مبارزات مردم اکتاف کشور ما تنها در اعتصاب کارگران پترو شیمی آبادان، کارگران کارخانه شهنواز اصفهان، کارخانه چیت سازی ممتاز تهران خلاصه نمیشود، بلکه مقاومت های کوچک و بزرگ در کلیه زمینه ها چشم گیر بود»

«بیکار جوانان در سال گذشته» عنوان مقاله دیگری از شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» است. در این مقاله از مبارزات جوانان و بخصوص دانشجویان در داخل و خارج کشور با شور تمام تجلیل شده است. در مقاله از جمله گفته میشود: «مبارزه جوانان مین و ما در همه جا چشم میخورد. در قلب کردستان، در دانشگاههای تهران، تبریز، شیراز، در وین و رم، پاریس و آلمان غربی. نام پرافتخار سلیمان معینی و اسمعیل شریف زاده و دهها جوان دیگر کرد برای همیشه در تاریخ پر افتخار مبارزات دلاورانه خلقهای ایران ثبت خواهد شد. جوانان در زندانها و سر بازخانه ها، رو در روی دشمن مقاومت و شجاعت بس شایسته ای از خود نشان دادند.»

پیگیری جوانان توده ای و دیگر بیکار جوانان جوان شعله امیدو ایمان را در دل همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران فروزانتر کرد. جوانان ایران مقیم خارج با استفاده از امکانات خود برای افشای جنایات رژیم و کمک به مبارزان اسیر تلاش و پیگیری ارزنده ای از خود نشان دادند. در مقاله سپس چنین میخوانیم: «جوانان عضو حزب توده ایران دانشگاهیان و همه جوانان که در شرایط ترور و اختناق داخل کشور میزمنند ضمن پشتیبانی از اقدامات رفقای خود در خارج پیروزیهای بازم بیشتری را برای آنان آرزو میکنند، و از همه گروهها و جمعیت های ملی و مترقی جوانان در خارج از کشور بویژه توده دانشجویان عضو کنفدراسیون دانشجویان انتظار دارد دست اتحاد و وحدت عملی که جوانان توده ای بسوی آنها دراز کرده اند صمیمانه بفشارند، و به کسانی که تفرقه بین نیروهای ملی و دموکراتیک را دامن میزنند امکان فعالیت ندهند.»

یکی دیگر از مقالات شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» درباره واقعیت بیمه های اجتماعی کارگران است. در این مقاله با استناد به ارقام و تکیه بر اعترافات مسئولین امر اثبات میشود که اکثریت مطلق کارگران بخصوص در شهرستانها و از جمله دستبافان یزد قالی بافان کاشان و کرمان و خراسان اصولاً بیمه نیستند و قانون کار در مورد آنها اجرا نمیشود و عده قلیلی هم که از قانون کار و بیمه های اجتماعی استفاده میکنند با هزاران مشکل مانند کمبود پینزشک، فقدان دارو،